

خبر

«بخارا»ی تابستانی منتشر شد

بخش فرهنگی – صد و سی و هفتمین شماره مجله «بخارا» منتشر شد. این شماره از مجله همراه است با مقالاتی از: محمدرضا شفیعی کدکنی، محمد احصایی، ایرج پارسی‌نژاد – ژاله آموزگار، مسعود جعفری‌جزی، بهاء‌الدین خرمنشاهی، عبدالحسین آذرنگ، حسن میرعبادینی، احمد جلالی، جهانبخش نورانی، سرگه بارسقیان، پریسا نظری، علی قیصری، علی معظمی، ناصرالدین پروین، محمود آموزگار، میلاد عظیمی، علیرضا هاشمی‌نژاد، مصطفی حسینی، سایه اقتصادی‌نیا، سجاد آیدنلو، مجید دهقانی، بهرام گرامی، بهمن بازرگانی، مهدی به‌خیال، هاشم رجب‌زاده، مجید سلیمانی، حامد خاتمی‌پور، سروش حبیبی، عبدالرحمن جلال‌رحیم، حسن ذوالفقاری، بیژن هنری‌کار، داریوش رحمانیانف حامد فولادوند، سیروس پرهام، مریم مطهری‌راد، گلنوش زنجان‌پور، اسمین غلام‌رحمانی، سوری احمدلو و نگین آنالویی. این شماره «بخارا» دارای بخش‌های ویژه‌ای از جمله یادنامه استاد زنده‌یاد سیدمحمد محیط‌طباطبایی که حاوی مقالاتی است از ایرج افشار، عباس زریاب خویی، عبدالحسین زرین‌کوب، محمد امین ریاحی، سیدابوالقاسم انجوی‌شیرازی، پرویز اکایی، احمد آرام، ضیاءالدین سجادی، ناصرالدین پروین، سعید میرمحمدصادق و مقالاتی منتخب از محمد محیط طباطبایی با تصاویری منتشرنشده است. بخش دیگری از این مجله اختصاص یافته است به: «کرونا و عصر پساکرونا…» که حاوی مقالاتی است از احمد جلالی: مقامات قرنطینه، جهانبخش نورانی: در نیک و بد کرونا، سرگه بارسقیان: چطور کرونا زندگی و مرگ ما را تغییر داد؟ و گفت‌وگو با جولیا کریستوا با ترجمه دکتر پریسا‌نظری درباره چالش امروز ما در جهان کرونایی. از دیگر بخش‌های این شماره بخارا «مشق‌های شبانه» محمد احصایی و بخش تجلیل از محمدرضا باطنی که شامل دو مقاله منتشرنشده از محمدرضا شفیعی کدکنی و دکتر پارسی‌نژاد است. این شماره از مجله «بخارا» (خرداد و تیر ۱۳۹۹) در ۶۴۰ صفحه از صبح دوشنبه نوزدهم خرداد ماه توزیع خواهد شد.

●●●●●

انتشار یک عکس متفاوت از مرضیه برومند



بخش فرهنگی – مرضیه برومند کارگردان سینما و تئاتر و تلویزیون که بخشی از کودکی‌مان با «مدرسه موشها»، «زی زی گولو» و «خانه مدربزگ» اش گذشت متولد ۱۳۳۰ است و امروز ۱۷ خرداد ماه، ۶۹ سال شد. این هنرمند در بحران اخیر کرونا با همراهی رخشان بنی‌اعتماد دیگر هنرمند سینما در خانه عروسک به گردآوری تجهیزات برای پزشکان مشغول شدند و همچنان برای کمک به این نیروهای اجتماعی فعال هستند.

برومند به مناسبت سالروز تولدش عکسی از نوجوانی‌اش در اختیار موزه سینما گذاشته است که وقتی از او می‌پرسیم:این عکس متعلق به کدام تئاترش هست؟ خیلی خوب به خاطر ندارد امامی گوید:به نظرم نقش نوکر را داشتم و در مدرسه «حجت» در خیابان «دلگشا» کلاس هفتم و هشتم بودم که این تئاتر را کار کردم.

او با لبخند همیشگی‌اش از روزگاری می‌گوید که هم در مدرسه کارگردانی انجام می داده و هم بازیگری و از آن مقطع زندگی‌اش به عنوان یک مقطع لذت بخش یاد می‌کند. مرضیه برومند در کارنامه هنری‌اش ساخت فیلم‌های چون «مدرسه موشها»، «مربای شیرین»،«شهر موشها» و… را داشته است و به عنوان فعال تئاتر و سینمای کودک و نوجوان در این سال‌ها حضور داشته است.

●●●●●

خبری که بازیگر سریال «شهرزاد» را شوکه کرد!

بخش فرهنگی– بازیگر سریال «شهرزاد» گفت: دولت آمریکا همیشه خود را پیشرو در حقوق بشر می‌داند و این کشور را مهد آزادی قلمداد می‌کند در صورتی که به هیچ وجه این طور نیست، من به واقع با شنیدن خبر کشته شدن جورج فلوید شوکه شدم و نمی‌دانم برای از بین بردن این رفتار وحشیانه چه باید کرد. پرویز فلاحی‌پور پیرامون کشتار وحشیانه «جورج فلوید» توسط پلیس آمریکا و افزایش درگیری‌های شدید طی دو هفته اخیر در شهرهای مختلف آمریکا گفت: خشونت علیه سیاه پوستان در آمریکا اتفاق تازه‌ای نیست و متأسفانه این قتل که طی چند روز اخیر رخ داده اولین و آخرین حرکت نژادپرستانه پلیس آمریکا نیست و نخواهد بود، خود من طی این سالها شاهد بودم که پلیس آمریکا بارها با سیاه پوستان برخورد‌های خشونت آمیز داشته و افراد زیادی را به قتل رسانده است. وی در همین راستا ادامه داد: متأسفانه برخورد‌های خشونت بار پلیس آمریکا نسبت به مهاجرین و مخصوصا سیاه پوست‌ها همیشه وجود داشته و به نظر من دولت آمریکا باید فکری به حال نژادپرستی موجود در این کشور بکند، زیرا در قرن حاضر این رفتار دیگر قابل تحمل نیست. بازیگر سریال «شهرزاد» با اشاره به شعار همیشگی حقوق بشر آمریکایی اضافه کرد: دولت آمریکا همیشه خود را پیشرو در حقوق بشر می‌داند و این کشور را مهد آزادی قلمداد می‌کند در صورتی که به هیچ وجه این طور نیست، من به واقع با شنیدن خبر کشته شدن جورج فلوید شوکه شدم و نمی‌دانم برای از بین بردن این رفتار وحشیانه چه باید کرد. وی با اشاره به اعتراضات مردمی در کشور آمریکا نسبت به این حرکت نژادپرستانه اذعان کرد: مردم آمریکا این بار کوتاه نمی‌آیند، این نوع از حرکات برای بار اول نیست که در این کشور رخ می‌دهد اما من فکر می‌کنم دولت آمریکا این بار نمی‌تواند به این راحتی از این قتل قسر در برود. اعتراضات اخیر مردم آمریکا نسبت به این اتفاق مثل دفعات پیش نیست و بعید می‌دانم به همین سادگی از حرف خود کوتاه بیایند. بازیگر سریال «کهنه سرباز» درباره سکوت برخی هنرمندان داخلی نسبت به قتل نژادپرستانه جورج فلوید اظهار کرد: از نظر من هنرمندان باید نسبت به چنین اتفاقاتی موضع بگیرند، حال برخی هنرمندان خودشان را از قضیه دور کرده اند، اما برخی که همیشه در فضای مجازی در مورد مسائل مختلف اظهار نظر می‌کنند نباید در قبال این قبیل اتفاق سکوت کنند. فلاحی پور در همین راستا خاطر‌نشان کرد: شخص من در فضای مجازی فعال نیستم اما به شخصه تمامی این حرکت نژادپرستانه را محکوم می‌کنم، این اتفاق در هر حالی دنیا رخ دهد عملی ناپسند و رد شده است، کم به عنوان یک هنرمند وظایف دارم که واکنشم را نسبت به آن نشان دهم. زیرا ظلمی که امروز به مردم آمریکا می‌شود تحمل کردنی نیست و باید در برابر آن ایستاد.

{فرهنگ و هنر }

حسین مهرانی، نوازنده، آهنگساز و مدرس دانشگاه:

ردپای «ردیف» در آثار «پاپ» نیز قابل مشاهده است

نویسم زیرا سال‌هاست آن را تدریس می‌کنم و آثار دیگران را نیز خودم نواختمام و این موارد باعث شده که ردیف میرزا عبدالله را تکنیکی بزنم. اما من این کار را نکردم، زیرا تصور این بود که اثر من نیز به دیگر روایت‌ها می‌افزاید. در صورتی که این ردیف توسط نورعلی برومند روایت شده و این در حالی است که هنوز نوشته‌ای از او در اختیارمان نیست؛ یعنی هنوز نمی‌دانیم آقای برومند دارد. مثلا افرادی که ردیف میرزا عبدالله را از روی اجرای برومند زده باشند با وجود این کتاب مورد ایراد قرار نمی‌گیرند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، یکی از کاستی‌هایی که همواره در زمینه موسیقی، بخصوص موسیقی ایرانی وجود دارد، کمبود منابع مکتوب آموزشی است. البته به لحاظ آماری تعداد آثار منتشر شده از سوی معلمان و استادان و مولفان کم نیست، اما مشکل اینجاست که اغلب آنها یا در گذشته‌های دور نوشته شده‌اند یا اینکه به لحاظ تخصصی و ساختاری دارای نواقص و معایبی هستند که این موارد به ظاهر کوچک و کم‌اهمیت در آینده موسیقی ایرانی و شیوه خوانندگی و نوازندگی فعالان موسیقی ایرانی را با اشکالاتی مهم مواجه خواهد کرد.

حسین مهرانی (نوازنده، آهنگساز و مدرس دانشگاه) یکی از هنرمندان بی‌حاشیه‌ای است که طی سال‌های فعالیتش علاوه بر فعالیت‌های تولیدی و اجرایی همواره دغدغه آموزش داشته و آثاری را نیز به رشته تحریر درآورده است. او که از محضر اساتیدی چون جهانشاه صارمی، شجاع الدین شرکلو، سیامک بناپی، بهمن رجبی، حسین علیزاده و هوشنگ ظریف بهره برده، کتاب دو جلدی «ردیف میرزا عبدالله» را در کارنامه دارد.

–شما چندی قبل کتاب «ردیف میرزا عبدالله» را منتشر کردید و جلد دوم آن نیز به تازگی منتشر شد.

جلد دوم کتاب «ردیف میرزا عبدالله» ادامه جلد اول این اثر است. جلد اول کتاب به نت‌نگاری ردیف میرزا عبدالله با اجرای نورعلی برومند اختصاص داشت زیرا کتاب‌های موجود با اجرای نورعلی برومند دقیقا مطابقت ندارد.

–آثار منتشر شده قبلی که حال نیز در بازار موجودند چه ایراداتی داشتند که در نهایت بر آن شدید کتاب «میرزا عبدالله» را به رشته تحریر درآوردید؟

بخش‌هایی از آن ایرادات مربوط به وزن گوشه‌ها و نت‌ها بود. به عنوان مثال وزن گوشه «مهریانی» چهارپاره است، اما در اجراهای آقایان حسین علیزاده و داریوش طلایی وزن این گوشه چهارپاره نیست؛ زیرا در ابتدا اینگونه نوشته نشده است. این کاستی‌ها باعث می‌شود نسل امروز به خوبی گوشه‌ها را نشناسد. از طرفی برخی پژوهش‌گران نیز گفته‌اند نتوانسته‌اند برای گوشه «مهریانی» شعر پیدا کنند. دلایلش این است که شعری با این وزن نداریم. مسئله این است که اتفاق و اشتباهی رخ داده و شاید اصلا دلیلش ویراستاری بوده اما به هر حال وجود دارد. تلاش من این بوده که با پرداختن به اجرای نورعلی برومند دقت ایشان در نوازندگی، نکت ریز و تکنیک‌های‌یشان را در آوانگاری لحاظ کنم و به آنها بپردازم. البته در زمینه تئوری موسیقی ایرانی نیز نظراتی دارم که بر اساس همان نظرات، ردیف را آنالیز کرده‌ام. موتیف‌ها را بر اساس همه ردیف‌های موجود (اعم از ابولحسن صبا و آقا حسینقلی و علی‌اکبر شهنازی و دیگران) جدا کرده و نامگذاری‌شان کرده‌ام تا به وسیله آنها ردیف را تحلیل و آنالیز کنم. اینها اتفاقاتی هستند که در جلد یک کتاب «ردیف میرزا عبدالله» به آنها پرداخته‌ام. و جلد دوم کتاب نیز ادامه جلد اول است. در جلد اول شور و آوازها را داشتیم و در جلد دوم به باقی دستگاه‌ها پرداخته‌ام. دومین جلد کتاب دو هفته پیش به بازار آمده و توسط انتشارات ماهور چاپ شده است.

◆ قرار بود این کتاب را در سه جلد منتشر کنید؟

بله قرار بود این اثر سه جلد باشد اما به دلیل شرایط موجود تصمیم گرفتیم از حجم اثر بکاهیم.
◆ از جلد اول کتاب «ردیف میرزا عبدالله» چه بازخوردهایی گرفتید و آیا می‌توان به این اثر دوجلدی را منبع تلقی کرد؟

به طور کلی در ارائه ردیف میرزا عبدالله نظرات شخصی بسیاری اعمال شده است. از آنجا که این ردیف مرجع محسوب می‌شود و دانشگاه‌ها نیز بر اساس همان از دانشجویان امتحان می‌گیرند، همیشه آن نظرات شخصی باعث سردرگمی دانشجویان و هنرجویان می‌شود. لذا کتاب «ردیف میرزا عبدالله» در این زمینه مزیت‌هایی دارد. مثلا افرادی که ردیف میرزا عبدالله را از روی اجرای برومند زده باشند با وجود این کتاب مورد ایراد قرار نمی‌گیرند. از آنجا که چندین سال در دانشگاه تدریس کرده‌ام بسیار شاهد اعمال نظرهای شخصی بوده‌ام. یعنی هرکس تلاش می‌کرد با روایت خودش از دانشجویان ایراد بگیرد و اینگونه بود که آنها دچار سردرگمی می‌شدند. کتابی که من ارائه کرده‌ام این مشکل را به نوعی رفع کرده است. زمانی که انتشارات «ماهور» نگارش کتاب را به من پیشنهاد داد از من خواست آن را به روایت خودم

◆ منظور تان تغییراتی است که به دلیل بحران بیماری کرونا در نحوه آموزش رخ داده و باعث عمومیت یافتن شیوه‌های مجازی و آنلاین شده است؟

بله. اما وقتی می‌خواهیم به شیوه مجازی تدریس کنیم چقدر برای آموزش مدت در اختیار داریم و بر اساس چه روش‌هایی باید پیش برویم؟ بگذارید مثالی بزنم. شاید ده یاپنجاه سال بود که ساز می‌زدم اما یک تکنیک ساده را بلد نبودم، اما حال هنرجویان من همان تکنیک را زیر سه ماه یاد می‌گیرند. وقتی با وجود متدهای مشخص و سیستمی که درباره‌اش توضیح دادم به آموزش شاگردان

جان‌اله کریمی‌مطهر،استاد زبان وادبیات روسی دانشگاه تهران معتقداست ترجمه‌ها نشان می‌دهد که قبل از دوره پتر کبیر و قبل از قرن ۱۸ روس‌ها آشنایی نسبی با ادبیات، فرهنگ و آداب ایرانیان داشتند، او در یکی از سلسله جلسات مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا درباره تاثیرات متقابل زبان و ادبیات روسی می‌گوید: قرن نوزدهم، دوران طلایی ادبیات روسی بوده است. قرن نوزده، قرن سفر و نفوذ متقابل زبان‌ها و فرهنگ‌ها در کشورهای مختلف بود. دوادنی که مردم کشورهای مختلف و علاقه بسیاری به ارزش‌های یکدیگر نشان می‌دادند و علاقه‌مند بودند که ادبیات و فرهنگ همدیگر را بهتر بشناسند، ولی نفوذ گسترده ادبیات مشرق زمین در دنیا و اروپا در قرن هفدهم آغاز شد و نمونه آن هم که علاوه بر مثال‌های روسی، بوستان سعدی نیز به زبان آلمانی در قرن هفدهم ترجمه شد. بعد چند ترجمه از گلستان سعدی به زبان فرانسه ساخته‌اشتم و در روسیه در اوایل قرن نوزدهم به خاطر این‌که توجهات زیادی به ادبیات مشرق زمین و ایران می‌شد، محققان روسی تصمیم به ایجاد یک مؤسسه‌ای برای جمع‌آوری آثار ادبی گرفتند.

کریمی‌مطهر همچنین می‌افزاید: در این راستا مقالات زیادی در مورد ضرورت تشکیل یک آکادمی آسیا در روسیه در سال ۱۸۱۱ در یک مجله‌ای به نام «بولتن اروپا» نوشتند و در این مقاله آمده است که تمام تحقیقات پراکنده‌ای در مورد ایران و دیگر کشورهای مشرق زمین داریم و این آکادمی باید این وظیفه را داشته باشد که این اطلاعات را جمع‌آوری و دسته‌بندی و سپس اولویت‌بندی و تعیین کند که اول چه آثاری باید ترجمه شود. بسیاری از روس‌ها بعضی از سبک‌ها مثل استعاره و تشبیه و… را از مشرق زمین می‌دانند. مثلا تیتو یک اثری دارد که در همان دوران نوشته شده است به نام «استعاره و توصیف استعاره‌ای در نثر و شعر» و سعی می‌کند که مستندات تاریخی علت توجه و تمایل نویسندگان روسی که استعاره را از مشرق زمین تقلید می‌کردند بیان کند. تیتو می‌گوید که این قصه‌ها و استعاره‌ها در ادبیات شرقی بسیار غنی و جذاب هستند، چه کسی بیشتر از ما روس‌ها که به لحاظ جغرافیایی حلقه اتصال بین مشرق و غرب هستیم حق دارد از این گنجینه‌های غنی استعاره‌ها و ادبیات مشرق زمین استفاده کند.

او همچنین معتقد است به هر حال نویسندگان روسی نه تنها آثار برجسته ادبیات فارسی را مطالعه و ترجمه می‌کردند، بلکه در موضوع‌ها و مضامین آثارشان بسیاری از موضوع‌های شرقی و به خصوص ایرانی نفوذ می‌کرد و بیان می‌کند: زمانی که هیئت ایرانی بعد از مرگ گرביادفوف در ایران برای عذرخواهی به پتربورگ می‌رفت

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۹

بهردازیم، قطعا می‌توانیم آموزش به شیوه مجازی را مدیریت کنیم.

◆ یعنی آنها که سینه به سینه آموزش می‌دهند، نمی‌توانند در زمینه آموزش‌های مجازی موفق باشند؟

همینطور است. اگر روش به صورت سینه به سینه باشد، یعنی استاد بنوازد و شاگرد یا دانشجو تقلید و اجرا کند، سیستم مجازی جوابگو نخواهد بود. مقصودم این است که ما در زمینه آموزش دیگر روال گذشته را نداریم.

◆ شاید شیوه‌های آموزش مجازی اتفاقی معمول خواهد شد؟

بله این اتفاق خواهد افتاد. چند روزپیش در مقاله‌ای خواندم کمپانی بنز اعلام کرده که رقبای ما گوگل و دیگر موسسات و شرکت‌های مشابه هستند، زیرا آدم‌ها خیلی از خانه‌شان بیرون نمی‌روند. یعنی ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به سمت و سویی جدید می‌رویم که آموزش آنلاین و مجازی نیز بخشی از آن است.

◆ پس با این حساب هنرجویان و علاقمندان موسیقی باید این تغییر رویه را جدی بگیرند.

دقیقا. شرایط فعلی و تغییر رویه ایجاد شده ما را به سمت آموزش موسیقی کاملا علمی سوق می‌دهد. کتاب‌ها و مقالات و تمریناتی ارائه می‌شود که طی این اتفاقات نت حرف اول را می‌زند و هنرجو نیز باید بر همین اساس تمرین کند و بنوازد.

◆ شیوه تدریس شما نیز به همین شکل است؟

بله بر همین اساس به آموزش شاگردان و هنرجویان می‌پردازم. مثلا به هنرجو می‌گویم این تمرین را بنواز و به او نت‌خوانی یاد می‌دهم. عکسی برای او می‌فرستم و او برای من فایل صوتی می‌فرستد و من در ادامه ایرادهای او را به صورت صوتی برایش ارسال می‌کنم و این روند ادامه پیدا می‌کند.

◆ یعنی شاگرد باید بر اساس داشته‌های تئوریکی در کلاس‌های مجازی حاضر شود؟

ما به عنوان مدرس موسیقی باید آن اطلاعات لازم را به هنرجویان بدهیم. مثلا اگر هنرجو نت‌خوانی‌اش ضعیف است باید این مقوله را به او یاد دهیم. اگر هنرجو می‌خواهد آواز یاد بگیرد باید به او سولفژ بیاموزیم.

◆ جالب است که در حال حاضر برخی خوانندگان و نوازندگان مطرح نت‌خوانی نمی‌دانند! اما به هر حال تدریس به شیوه مجازی یادگیری مولفه‌های مهم را برای هنرجویان و دانشجویان به نوعی اجبار تبدیل می‌کند که اتفاق خوبی است. این اجبار در یادگیری مقوله مهم ردیف نیز وجود دارد. درباره اهمیت و مفهوم ردیف نیز توضیح دهید و بگویید یادگیری آن برای هنرجویان و دانشجویان تا چه حد جدی است و کی و کجا به کمک آنها خواهد آمد؟

ردیف در واقع رپرتوار محسوب می‌شود. به طور کلی رپرتوار در تمام دنیا وجود دارد. در موسیقی نیز نوازنده رپرتوار خاصی را از یک دوره یا یک آهنگساز می‌نوازد. مثلا زمانی که می‌خواهند از نوازندگان امتحان بگیرند می‌گویند رپرتوار چیست؟ در ایران نیز این رویه وجود دارد و هر نوازنده رپرتواری را می‌نوازد. مثلا رپرتوار میرزا عبدالله یا شهنزای یا آقا حسینقلی و دیگران می‌خواهم بگویم مقوله رپرتوار در موسیقی تمام دنیا وجود دارد. هنروازنده‌ای می‌گوید من این قطعات را نواختم. یعنی او مجموعه‌ای از قطعات را حفظ می‌کند و می‌زند و در محفوظاتش دارد. ردیف چندین بخش دارد که یکی از آنها تکنیک است و به نظرم در حال حاضر نوازنده به این مقوله بیشتر نیاز دارند. یعنی ممکن است نوازنده‌ها از ردیف چیزی نفهمند و متوجه نشوند که در ردیف چه اتفاقاتی رخ می‌دهد، اما واقعیت این است که آنها تلاش می‌کنند ردیف را به صورت سینه به سینه، صحیح بزنند. بخشی که مربوط به درک ردیف است به دانشه‌های تئوری نیاز دارد و من برای آن وقت بسیاری صرف کرده‌ام و همانطور که گفتیم در اینباره نظریه‌ای دارم و بر همان اساس هنرجویان و دانشجویان را آموزش می‌دهم. در واقع آنالیز ردیف که به همراه آموزش ردیف اتفاق می‌افتد به حفظ و درک موضوع کمک خواهد کرد. مرحله دیگر در یادگیری ردیف که هنرجو باید آن را حفظ شود، حین ملودی پردازی به کمک او خواهد آمد. یعنی او می‌تواند از داشته‌های خود (که با یادگیری و حفظ موتیف‌هایی که در ردیف آموخته و من آنها را در کتابم نام‌گذاری کرده‌ام) در آهنگسازی استفاده کند. در تمام آثار آهنگسازان، حتی آنهایی که در سبک پاپ فعالیت می‌کنند، ردپای ردیف قابل مشاهده است. محفوظاتی که از ردیف دریافت می‌شود به نوازنده و آهنگساز کمک خواهد کرد. ممکن است این اتفاق آگاهانه نباشد و مثلا شما نتوانید در اینباره آدرسی ارائه کنید و بگویید این ملودی در ذهن من آمده است. این ملودی از کجا به ذهن شما آمده؟ از ردیفی که آموخته‌اید و نواخته‌اید. همانطور که گفتیم ردیف در واقع یک رپرتوار است و با نیاموختن و نزدنش بخشی از موضوع را نخواهیم داشت.

الهام شاعر بزرگ روس از سعدی

یک شاعر معروفی به نام فاضل‌خان گروسی هم همراه با این هیئت بود، فاضل خان پوشکین را در تقلیس می‌بیند. پوشکین اشعاری را برای او فرستاد که در آن‌ها روسیه را معرفی می‌کند. پوشکین خود و سرزمینش را در اشعارش توصیف می‌کند و در این ابیات تأکید می‌کند که درست است که روسیه از آب‌وهوای سردی برخوردار است، ولی جایی است که با شاعرانی همچون حافظ و سعدی آشنا است. این ابنما، عشق خان کریمه به دختر زیباروی لهستانی به نام ماریا بود. خان او را راحتی متوجه می‌شوند که شاعر آن‌ها را با الهام از مضامین شرقی و اسلامی سروده است. الکساندر پوشکین، شاعر و نویسنده اهل روسیه که زاهدروز او با روز زبان کشورش گره خورده است، به دلیل علاقه به فرهنگ شرق از سعدی در آثارش اثر گرفته است که این اثرپذیری در آثاری مثل «فواره باغچه‌سرای» بیشتر مشهود است. در روایتی از زمینه نگارش این کتاب و ارتباط آن با الهام‌گیری از شعر سعدی آمده است: پوشکین در سال ۱۸۲۰ میلادی بازدیدی از کاخ باغچه‌سرای در شبه‌جزیره کریمه داشت. در این بازدید، او ابنمای این کاخ و نوشته‌هایی را که در کنار آن به زبان‌های عربی و تاتاری نوشته بود ملاحظه کرد. نوشته عربی، آیه ۱۸ از سوره انسان در قرآن بود که به سلسبیل، چشمه بهشتی اشاره می‌کرد. مضمون نوشته تاتاری نیز این بود: «بیا از زلال‌ترین آب فواره (چشمه) بنوش.» علت ساخت این ابنما، عشق خان کریمه به دختر زیباروی لهستانی به نام ماریا بود. خان او را در حمله به لهستان از خانواده‌اش رود. ماریا در حرم‌سرای خان کریمه افسرده و پژمرده شد و یک شب زارما، همسر خان کریمه از او خواهش کرد که عشق خان را به بازگرداند. ماریا برای خودش آرزوی مرگ کرد و آرزویش برآورده شد، اما عشق خان کریمه از بین نرفت و آن نمایی را با یادبود او بنا کرد که دختران جوان کریمه آن را «فواره اشک» نامیدند. پوشکین تحت تاثیر فضا و داستان آن قرار گرفت و اشعار سعدی با مضمون فانی و زودگذر بودن دنیا را به یاد آورد که زمینه‌ساز خلق این اثر شد. پوشکین این منظومه را با نگاهی جدی به ادبیات شرق نوشت و آن را با این عبارت آغاز کرد: «بسیاری چون من فواره را دیده‌اند اما برخی از آنان در عالم وجود نیستند و دیگران نیز در بلاد دور سیاحت می‌کنند.» که برداشتی از بیت‌های ۴۷۹ و ۴۸۰ باب اول بوستان سعدی است.

از آثار الکساندر پوشکین «تیرانداز» را ضیاءالدین فروشانی، «دختر سروان» را پرویز ناتل خانلری و شیوا رویگرزان، «پاریس گادونوف» را آبتین گلکار، «بیبی بیک» را محمد مجلسی و همچنین مترجم‌هایی دیگر ترجمه کرده‌اند.